ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۱ | اذان مغرب ۲۰/۳۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۲ | اذان صبح فردا ۴/۳۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۱

سخن روز

امام حسین علیه‌السلام:
هرکس حق معبودیت خدا را به‌جا آورد، خداوند بیش از حد انتظار و کفایتش به او عطا می‌کند.
بحارالانوار، ج ۶۸ ص ۱۸۴

«خروش بحر» از جمله آلبوم‌های عاشورایی قابل اتکا است

علیرضا افتخاری: آلبوم «خروش بحر» سال ۸۶ به همت دوستان مرکز موسیقی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شد و با توجه به حال و هوای موسیقایی آن سال‌ها، تجربه متفاوتی را برای من رقم زد. کما اینکه تا آن زمان هنوز آلبوم و یا اثری را پیرامون واقعه کربلا تولید نکرده و علاقه‌مند بودم زمانی فرا برسد که بتوانم کار ارزشمند و قابل توجهی را در شأن حضرت امام حسین(ع) به مخاطبان موسیقی ارائه دهم.
وقتی از من برای ساخت این آلبوم دعوت شد به طور حتم علاقه‌مندی به محضر اهل بیت و حضرت سیدالشهدا اولین انگیزه من برای حضور در آلبوم به عنوان خواننده بود به همین دلیل تمام تلاش خود را انجام دادم که به سهم خود کاری را ارائه دهم که هم خودم برای حضور در آن لذت ببرم و هم شنونده با کار متفاوتی روبه‌رو شود. «خروش بحر» از جمله آثار معتبر و قابل اتکا در عرصه تولیدات موسیقایی مرتبط با محرم و صفر است که می‌تواند در زمره آثار با کیفیت این حوزه مورد توجه قرار گیرد.

بخشی از گفته‌های این خواننده درباره آلبوم عاشورایی «خروش بحر» در مهر

نقش حماسه و تأثیر ستم‌ستیزی در تعالی روح بشر، زمینه اشتیاق عارفان ناب را به شهادت فراهم کرده و مجاهد کوی حق را با عرفان اصیل آشنا می‌سازد و این، همان هماهنگی حماسه و عرفان است.

حماسه و عرفان، عبدالله جوادی آملی، نشر اسرا

نگاره

حمید صوفی

پایه های عدالت در نظام‌های غربی

شرافتی تمام

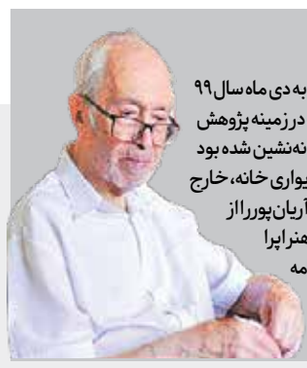

ندا سیجانی - آخرین دیدار با زنده یاد دکتر امیر اشرف آریان‌پور موسیقیدان، پژوهشگر و نویسنده به دی ماه سال ۹۹ برمی‌گردد، گفت‌وگو و تجدید خاطره‌ای داشتیم با عنوان «روایت عشق و قلم» از سال‌ها تلاش استاد در زمینه پژوهش و تألیف کارهای ارزشمندشان آن هم در دورانی که استاد به دلیل شیوع کرونا و بیماری پارکینسون خانه‌نشین شده بود اما همچنان با شوق و عشق و علاقه از فعالیت‌هایش سخن می‌گفت« چند ماه است که از چهار دیواری خانه، خارج نشده‌ام و شرایطی برای بیرون رفتن نیست، می‌دانم این روزهای تلخ تنهایی هم می‌گذرد». دکتر آریان‌پور را از نخستین عالمان و مروجان هنر اپرا در ایران می‌دانند و سال‌ها قبل از انقلاب در جهت رونق و گسترش هنر اپرا در ایران تلاش‌های بسیاری کرده است و علاوه بر تألیف مقالاتی در این زمینه، مترجم تعدادی نمایشنامه و داستان اپرا هم بوده است؛ بزرگمردی که حاصل دسترنج ۷۰ ساله‌اش در سطرهای تاریخ فرهنگ و هنر ایران به چشم می‌خورد و توانست نام خود را با قلم پرتوانش بر جریده روزگار حک کند.

یاد

میرعلیرضا میرعلی‌نقی
منتقد و پژوهشگر موسیقی

به یاد دکتر امیراشرف آریان‌پور (۱۴۰۱ - ۱۳۰۷) می‌گویند نحوه مرگ بیشتر افراد شبیه نحوه زندگی آنهاست. درباره استاد عزیز همه ما، این سخن صادق است. قریب به یک قرن زندگی سالم و منظم و آرام و آمیخته با عشق به علم و تعلیم، سهم استاد امیراشرف آریان‌پور از این سیاره بود. عمری پربار و بی‌ادعا و سرشار از تأثیرهای مثبت و انسانی. هیچکس را نمی‌شناسم که از شنیدن خبر درگذشتش غمگین نشده باشد. هر دانشوری شایسته چنین کرامتی نبوده و نیست. آری، آریان‌پور از چنین نادره مردان بود.
او در خانواده‌ای زاده شد که نیاکانشان به آشوب و طغیان در اجتماع قدیم ایران و نیز به دخالت در سیاست شهره بودند، اما زادگانشان مسیری متضاد را انتخاب کردند. نام خانوادگی آریان‌پور کاشانی در هفتاد سال اخیر با دانش و تلاش و تألیفات ارزنده، مترادف است. سوابق تحصیلی و خدمات اداری ایشان در منابع مختلف نوشته شده و در دسترس است. واپسین کتاب‌شان که مروری سریع و جذاب بر تاریخ موسیقی ایران معاصر است نیز تا سال‌ها از منابع و مراجع معتبر خواهد بود. شاگردانشان بسیارند، چرا که دست‌کم بیست سال از عمر مفید او در سال‌های بعد از انقلاب به تدریس گذشت. از دوستان سفرکرده، امیرحسین اسلامی مهرآبادی و هومن خلعتبری، یادداشت‌هایی زیبا در فضای مجازی نوشته‌اند که باید خواند و تصویری روشن از آن مرد نیک‌نفس به دست آورد. دیگران نیز گفتنی‌های بسیار دارند که‌ای کاش بگویند تا شمایل پاکیزه آن دانشمند شریف، نمایان‌تر به چشم آید. دکتر امیراشرف آریان‌پور کاشانی یکی از مهم‌ترین مراجع زنده برای معرفی فرهنگ موسیقی کلاسیک غرب به دانش‌اندوزان ایرانی بود. دهه تولد او، دهه نامداران بسیاری است: پورتراب، باغچه‌بان، ناصحی، استوار، ناصری، حنانه، هرمز فرهت، صفوت، بینش و...، وجه مشترک همه آنان، عشق به عظمت ایران، سختکوشی و عطش دانش و اصرار بر نظم و جدیت است. کار و زندگی‌شان یکی بود همچنان که حرف و عملشان هم. علم و عالم و معلم و متعلم نزد آنان شرافتی ذاتی داشت و با چیزی معاوضه نمی‌شد. بویژه در بخش پژوهش، این خصوصیات بسی پررنگ‌تر جلوه می‌کرد. آنان پژوهش را برای تقرب به قدرت و رانت‌خواری و جشنواره‌سازی و مرید پروری و راه‌اندازی گفتمان‌های بی‌اساس و ضد ایرانی (که هدفی جز سودجویی و تخریب ندارند)، دستمایه نمی‌کردند و هدفشان افزودن به ذخایر علمی کشور بود، نه صرف بودجه و ظاهرسازی. جامعه موسیقی خوابزده و مسخ شده ما، قدر این افراد صادق و بی‌ادعا را نشناخت ولی به قول پروین اعتصامی «زمانه، زرگر و نقاد هوشیاری» خواهد بود و به آن نسل بویژه به دکتر آریان‌پور عزیز، ادای احترام خواهد کرد.
افتخار شاگردی‌شان را نداشتم و تنها چند بار با ایشان مصاحبه داشته‌ام. تأثیرهایی ماندگار از نحوه سلوک علمی و انسانی او گرفته‌ام و مدیونشان هستم. او یک انبان اطلاعات نبود بلکه تبلور و تجسم فرهنگ و دانش و معرفت انسانی در وجودی آراسته و برازنده بود. شمایل شریف اش هیچ وقت از خاطر دوستدارانش محو نخواهد شد.

هنرمندان در فضای مجازی

بخشی از مطالب مندرج در صفحات اهالی فرهنگ و هنر طی روزهای اخیر به همدردی‌هایی درباره تبعات تغییرات شرایط جوی و خسارت‌هایی که سبب شده اختصاص یافته است. البته همچنان ردپای رنگی از اطلاع‌رسانی درباره تازه‌های تولیدات بخش‌های مختلف هنری در شبکه‌های اجتماعی و همچنین اظهار تأسف‌هایی برای درگذشت «امیر اشرف آریان پور» و «حبیب‌الله صادقی» نیز خودنمایی می‌کند.

محمود رضوی تهیه‌کننده سینما به مناسبت پایان فصل هشتم «خندوانه» با انتشار یادداشتی در صفحه اینستاگرامش، از عوامل این برنامه قدردانی کرد و از آنها درخواست کرد ساخت این برنامه تداوم یابد. متن کامل یادداشت او را در ادامه می‌خوانید.

دیشب قسمت نهصد و بیست و دوم خندوانه پخش می‌شد، با خستگی فراوانی که داشتم اما به احترام گروه سازنده آن خودم را مکلف به دیدنش می‌دانستم، می‌خواستم همان دیشب قلم بزنم که نشد! اما؛

اول: آقای رامبد جوان، جوان خلاق و پرانرژی و برادر عزیزم آسید علی احمدی عزیز و دوست داشتنی، به احترام سال‌ها تلاش شما برای شادی مردم ایران تمام قد می‌ایستم و می‌گویم بچه‌های «خندوانه» ما شما را خیلی دوست داریم، خیلی و قدردان زحمات شما هستیم.

دوم: خنداندن مردم کار آسانی نبوده و نیست، مرز بین هزل، هجو، طنز و کمدی مرز بسیار باریکی است که با همه آنها می‌توان مردم را خنداند اما اینکه بتوان با طنز و کمدی و با نگاه داشتن اندازه ضمن داشتن نگاه انتقادی به موضوعات و وقایع مردم را بخندانیم، کار بسیار سختی است، دست مریزاد که در این سال‌ها تلاش کردید، با نگاه داشتن اندازه شوخی و طنز مردم را بخندانید.

سوم: بیرون گود نشستن و دستور لنگش کن دادن را همه ما بلدیم، اگر استادیوم رفته باشید در هنگام بازی صدهزار نفر در حال کوچینگ تیم دلخواه خود با انواع فحش‌ها و ناسزاها هستند، اما یکی از آنها قدرت یک شوت درست و دریبل ساده ندارد، خیلی وقت‌ها زحمات این تیم را بیرون گودنشسته‌ها ضایع کردند و کاری کردند گاهی اشکالات و حواشی بیش از اتفاقات خوب و مزایا به چشم بیاید اما اگر کمی منصف باشیم، می‌بینیم چقدر خدمت در این ۹۲۲ قسمت این برنامه اتفاق افتاد.

چهارم: خندوانه از روز تولد تا دیشب، پر از نوآوری و رویش بود، ببینید که از فصل اول تا آخر بی‌ادعا چقدر نیروی انسانی جدید به سینما و تلویزیون معرفی کرد، چقدر آیتم‌هایی ساخت که امروز هر کدام از آنها برنامه مستقل شده، چه میزان فرهنگ‌سازی در کتابخوانی، امور خیر و... کرد و در عصر گردن‌های کج روی گوشی و تبلت چقدر بازی‌های جدید برای تفریح جمعی به وجود آورد، اینها را ببینیم و قدردان این تیم باشیم.

پنجم: حتماً در کنار این تیم خلاق مدیرانی بودند که این جسارت را داشتند که اجازه دهند یک برنامه متفاوت با ساختار و محتوایی تجربه نشده روی آنتن برود و با تمام فشارهای خناسان به اینجا برسد، باید از آنها هم به نوبه خود سپاس و قدردانی کرد، حتماً نقش آقایان دکتر کرمی و دکتر احسانی در شکل‌گیری و تداوم این برنامه قابل انکار نیست.

ششم: تکرار می‌کنم، دیکته نانوشته غلط ندارد، این تیم ۹۲۲ بار نوشتند و هربار در مقابل چشمان مردم ایران، دیکته آنها صحیح شد، معدل این برنامه به یقین جزو بهترین نمرات صدا و سیماست، هم در محتوا و هم در جذب مخاطب، امیدواریم که سازمان صدا و سیما قدر این برنامه و این تیم خلاق و با اعتقاد را بداند.

هفتم: وقتی سخن از طنز و کمدی به میان می‌آید، یک سر ماجرا نقد است و گاهی شوخی با اتفاقات، رامبد جوان و این برنامه خیلی فرصت برای نیش و کنایه زدن داشت، شوخی کرد، کنایه زد اما نیش نزد، بر زخم نمک نپاشید، حرمت نگاه داشت، همه باید قدر این نمک‌شناسی و وفاداری را بدانیم، برنامه دیشب بوی خداحافظی می‌داد، امیدوارم مسئولان صدا و سیما هر چه زودتر تیم را متقاعد به ساخت فصل‌های بعدی کنند.

هشتم و پایان: رامبد عزیز و سید علی بزرگوار، مردمی که شما را دیدند، همان‌هایی که شما به احترام‌شان ۹۲۲ برنامه ایستادید و به آنها هر برنامه یادآور شدید دوست‌شان دارید، لزوماً کسانی که زیر صفحات شما کامنت می‌گذارند یکبار مرده باد و یکبار زنده باد می‌گویند، نمایندگان تمام این مردم قدرشناس نیستند، جزئی از آنها هستند، نظرات مردم همان است که سال‌هاست شما را در نظرسنجی‌های صدا و سیما بالا نگاه داشته و رضایتمندی از برنامه دارند، این مردم که خیلی‌ها برای امنیت آنها جان دادند، ارزش آن را دارند که به خاطر لبخند و شادی آنها سختی‌های برنامه‌سازی را تحمل کنید و باز هم بسازید.

■ **پیام رئیس‌جمهور و اهالی هنر به یاد حبیب‌الله صادقی**

به‌دنبال درگذشت حبیب‌الله صادقی، پیشکسوت هنرهای تجسمی در صبح چهارشنبه‌ای که گذشت، رئیس‌جمهور نیز پیامی به این منظور منتشر کرده که در بخشی از آن آمده: «این پیشکسوت عرصه هنرهای تجسمی با پیوستن به نهضت امام خمینی، ذوق سرشار و توانمندی‌های هنری، خود را وقف پیروزی انقلاب اسلامی کرد و در کمال وارستگی و خلق آثار ارزنده، در کنار مردم و انقلاب ماندگار باقی ماند.» حسام‌الدین سراج خواننده موسیقی سنتی هم با انتشار تصویری از زنده‌یاد «حبیب‌الله صادقی» ناراحتی خود از درگذشت این هنرمند پیشکسوت عرصه هنرهای تجسمی را ابراز کرده و نوشته: «چو با حبیب نشینی و باده پیمایی/ به یاد دار محبان باده پیما را» حسن روح‌الامین، هنرمند نقاش نیز در سوگ درگذشت صادقی مطلبی منتشر کرده که در آن به ذکر خاطراتی درباره روز دفاع از پایان‌نامه دوران دانشگاهش پرداخته، خاطره‌ای که در آن به نقش مثبت زنده‌یاد صادقی اشاره کرده و اینکه وی چطور در آن روز سرنوشت‌ساز به یاری‌اش شتافته است.

کمال‌گرایی به سبک کوبریک

بودها و نمودها

علیرضا نراقی
منتقد سینما

این روزها به خاطر نفوذ شدید آموزه‌های روانشناسی، چه از نوع علمی و چه زرد آن در زندگی انسان‌ها، کمال‌گرایی صفتی به نسبت منفی محسوب می‌شود. کمال‌گرایی شده است نوعی بیماری، نوعی وسواس زائد که به جای عاملی برای کار بیشتر، موتور تولید انسان را متوقف می‌کند. با علم نمی‌شود درافتاد اما به مدد فضیلت عدم مطلق‌گرایی که خود به نوعی از آموزه‌های روان‌شناسی است می‌توان گفت که غلط بودن کمال‌گرایی الزاماً همیشه درست نیست. این بیشتر وابسته به انتخاب ماست و اینکه چه چیزی و چه نوع بودنی ما را اقناع و راضی می‌سازد. کمال‌گرایی ما می‌تواند وابسته به شناخت از توانایی واقعی‌مان تعدیل شود. همه ما به یک اندازه توانا نیستیم اما کمالی در نظر داریم که اگر با توانایی ما مماس شود خلاقیت‌مان شکوهی رؤیایی خواهد یافت.
نمونه‌های شاخصی در جهان هنر هستند که بلندپروازی کمال‌گرایانه خالق آنها جهان انسانی را غنی کرده است. یکی از مهم‌ترین این هنرمندان در عصر ما بدون شک «استنلی کوبریک» است. کوبریک که این روزها زادروز ۹۴ سالگی اوست، در سال ۱۹۹۹ وقتی ۷۱ سال داشت درگذشت. با در نظر گرفتن آثار مستند و کوتاهش تنها ۱۶ فیلم ساخت. میان فیلم‌هایش فاصله نسبتاً طولانی وجود دارد چرا که برای ایده‌هایش بسیار وقت صرف می‌کرد و به سادگی تن به تولید نمی‌داد. با وسواسی خاص در پی این بود که تک تک نماها دقیق و مطابق با نسخه کمال یافته ذهن او اجرا شوند. نتیجه این کمال‌گرایی مجموعه‌ای از فیلم‌های بی نظیر و مبهوت کننده است که ذهن تماشاکننده خود را هیچگاه رها نمی‌سازند.
کوبریک از عکاسی شروع کرد. آثارش بافت تصویری منحصر به فرد و پیچیده‌ای داشتند که داستان‌گویی را در فرم سینمایی ارتقا دادند. او با نگاه عمیقش داستان‌ها و شخصیت‌هایی را خلق کرد که تا به حال کسی در سینما تجربه نکرده بود. با تسلطی که بر ابزار سینما داشت علاوه بر اینکه تصاویر بسیاری را در حافظه بصری مخاطب سینما جاودان ساخت، معنای سینما و امکان‌های بی‌شمار آن را توسعه داد. دوربین را به یک راوی کنشگر جدی و گاه بی‌رحم بدل ساخت. هم در فلسفه و نگاه به مضامین، هم در فرم، کوبریک دست نیافتنی به نظر می‌رسد.

سینما برای کوبریک یک جهان کامل در هم پیچیده بود که باید هنرمند در آن همه جوانب را در نظر بگیرد و مبتنی بر نوعی جامعیت به سمت آن برود. هنرمند سینما فقط با تصویر و یا منحصراً با قصه کار نمی‌کند، سینما همزمان تصویر و داستان است و همزمان ژست است و حرکت؛ سینما عینیتی است از ذهنیت و شناخت‌های انسانی، به همین دلیل آینه‌ای تمام نما و حقیقی است از ذهنیت تاریخمند بشری. دیدن تمام ساحات این هنر جامع کار بسیار دشواری است و کوبریک از معدود هنرمندان این حوزه است که به این جامعیت متعهد بود و برای آن بیش از هر امر متنی و فرامتنی ارزش قائل می‌شد.

داستایفسکی از نمایی نزدیک‌تر

پیشنهاد

خواننده‌های پیگیر آثار داستایفسکی چندین دهه از خواندن یادداشت‌های داستایفسکی بر رمان‌های مهمش از جمله «جنایت و مکافات» محروم بوده‌اند، در حالی که خواندن‌شان اگر نه به اندازه خود رمان‌ها اما بسیار جالب و مهم است. می‌دانیم که مهم‌ترین رمان‌های داستایفسکی به شکل پاورقی در نشریات خاصی منتشر می‌شدند از جمله رمان «جنایت و مکافات» که داستایفسکی دو ماه بعد از نگارش آن شروع می‌کند به نگارش یادداشت‌های این کتاب که اکنون ترجمه فارسی آن را انتشارات نیلوفر منتشر کرده است. نکته‌ای که به عنوان خواننده رمان جنایت و مکافات هرگز نخواهیم دانست، آن است که مشخص نیست آیا یادداشت‌های منتشر شده تمامی یادداشت‌هایی است که داستایفسکی برای این رمان نوشته یا نه.

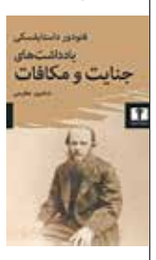

آنچه مشخص است، این است که داستایفسکی هنگام نوشتن این یادداشت‌ها فراغ بال داشته و کمتر خودش را سانسور کرده است. او در این یادداشت‌ها شخصیت‌های آثارش را مورد انتقاد قرار می‌دهد و تحقیرشان می‌کند اما در رمان چنین نمی‌کند. در صحنه‌ای از یادداشت‌ها که رازومیخین دانشجو و دوست راسکلنیکف از پول‌هایی که برای وی رسید مقداری را صرف خرید لباس و کفش می‌کند، نوع برخورد راسکلنیکف با او با آنچه در رمان می‌بینیم تفاوت دارد یا در جایی که راسکلنیکف کابوس می‌بیند که ستوان باروت آمده و دارد زن صاحبخانه را کتک می‌زند، نوع واکنش راسکلنیکف با رمان کاملاً متفاوت است. نکته جالب توجه در یادداشت‌ها رابطه راسکلنیکف با سونیا مارملادف است که عشق میان آنها بیش از رمان منتشر شده جلوه دارد. برخلاف رمان، سونیا در «یادداشت‌های جنایت و مکافات» با راسکلنیکف مشاجره می‌کند، همیشه بردبار است و هیچ وقت شوخی نمی‌کند اما به ناگهان و در برابر چیزهای کم اهمیتی خنده‌های عجیبی سر می‌دهد. از سوی دیگر این یادداشت‌ها تا حد زیادی نشان می‌دهند که داستایفسکی نویسنده‌ای است که همواره به موضوع‌های تکنیکی فکر می‌کرده و نگران آنها بوده است. او بیشترین توجه را به جزییات داشته است، مثلاً در جایی به خودش یادآوری می‌کند که «فراموش نکن که او [راسکلنیکف] ۲۳ ساله است یا «ماهرانه‌تر انجامش بده» دستورالعملی است که او بارها در مورد آن تأکید داشته است. او مراقب ریتم و لحن اثرش هست: «سریع‌تر از همه چیز عبور کن» و «بسیار جدی اما با طنزی زیرکانه» درباره ارتباطات درونی و بیرونی می‌گوید: «ابتدا یک رخداد را نشان بده و سپس به هم ریختگی روانی او [راسکلنیکف] را شروع کن.» دو قطعه بسیار زیبا در «یادداشت‌های جنایت و مکافات» یکی تک‌گویی‌های مارملادف است که داستایفسکی در جاهایی روی برخی خطوط خط کشیده و دیگری روایت اول شخص راسکلنیکف در رساندن مارملادف از میخانه به خانه‌اش و رفتار کاترینا ایوانوونا همسر مسلول او است که در اینجا به خاطر زاویه دید اول شخص که داستایفسکی اختیار کرده بسیار تأثیرگذار است. «یادداشت‌های داستایفسکی: جنایت و مکافات» نوشته فیودور داستایفسکی ترجمه شاهپور عظیمی توسط انتشارات نیلوفر منتشر شده است.

عاشورا حرکتی در امتداد بعثت و غدیر و چالشی در تبیین انتظار

عاشورا حاصل فراموشی پیام غدیر

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

صفحات تاریخ مؤید این واقعیت است که حیات بشر به نحو مستمر و مؤثری بر مدار اهلیت انسانی خویش قرار نگرفته و اغلب خوی سرکش آدمی بر آن غلبه داشته است. در این میان ایمان مذهبی که از طریق ارسال انبیای الهی رواج یافته، به‌تنهایی در تمشیت امور زندگانی و نیکبختی انسان کفایت نکرده است. زیرا کم کم بی‌ایمانی و یا ایمان صوری جایگزین ایمان متکی بر شناخت و معنویت شده و ایمان حقیقی بتدریج ماهیت خود را از دست داده است. چرا که ایمان بدون معرفت و مجاهده در راه کسب فضیلت و کمال، ایمانی ظاهری و منتهی به جهل و رکود و تعصب است و همچون سلاحی خطرناک دستمایه تجاوز به حقوق دیگران و فساد خواهد بود.
آیین آسمانی اسلام به عنوان ختم نبوت با پیش‌بینی عوارض دوران فترت، «بعثت» را با «امامت» همراه نمود تا پس از رسول گرامی اسلام، همچون بارقه‌ای ظلمت‌ها را شکافته و مأموریت الهی پیامبر اسلام (ص) را استمرار بخشیده و امت را با اصالت‌های دین آشنا و به عافیت و رستگاری رهنمون شود. امامت در اصل برپایه ایجاد وحدت و از بین بردن نفاق و تشتت و فساد و انحراف بنیان نهاده شد تا امت برای همیشه بر شالوده فضل و تقوا قرار گرفته و از دانایی و فضیلت به دور نماند. اما با رحلت پیامبر اسلام (ص) پیام غدیر نادیده گرفته شد و قلمرو اسلامی از استمرار نبوت در قالب امامت محروم ماند. در نتیجه محیط اسلامی آلوده به ظلم و جهل و فساد و آشفتگی اخلاقی شد. حال آنکه اسلام آمده بود تا میان مردم «عقل» و «عدالت» را حاکم گرداند و به ظلم و تباهی و فساد پایان دهد. اما چندی نگذشت که فرزند صخربن حرب ملقب به «ابوسفیان» که مردی در رأس کفر و الحاد بود و از وی به عنوان فرعون زمان پیامبر یاد می‌شد، به توصیه وی مبنی بر اینکه - ای بنی امیه بیدار باشید! اکنون وقت آن است که مهیا شوید تا حکومت این امت را در دست گیرید و آن را همانند گویی که بچه‌ها با آن بازی می‌کنند بین خودتان بگردانید- دست به کار شده و با همدستی کسانی که بر اثر به دست آوردن اموال و غنایم جنگی در نتیجه کشورگشایی‌ها متمایل به دنیا شده بودند روی کار آمدند و بدین ترتیب زمینه جانشینی پیامبر برای امام معصوم که از جانب خداوند منصوب شده بود فراهم نشد.
با شهادت امیرالمؤمنین علی (ع) سرسلسله امامت و جانشینی برحق پیامبر اسلام (ص)، شرایط برای امامان بعد دشوارتر شد. تا آنجا که بعد از علی (ع) دوستی و پیروی از امامان بعد، جرم تلقی شده و مجازاتش کشته شدن همراه با شکنجه بود. «میثم تمار»، «رشید هجری» و «حجربن عدی» تنها نمونه‌هایی از آن بی‌شمارند که یکی - میثم - دست و پایش صلیب‌گونه به درخت خرمایی میخ شده وبه شهادت رسید و دیگری - رشید هجری - دست‌ها و پاهایش را بریدند و چون همچنان از فضایل علی (ع) دم می‌زد زبانش را هم بریدند و با آن وضع به دارش آویختند. حجر بن عدی را نیز تنها به جرم اینکه در مجلسی که نسبت‌های ناروا به امیرالمؤمنین علی (ع) داده می‌شد و آن حضرت را سب و لعن می‌کردند به اعتراض زبان گشود و فریاد برآورد که: «مردی که راه تقوی را می‌پیمود شایسته این سخنان نیست...» او را نیز با وضع فجیعی به شهادت رساندند. آری این وضع امت پیامبر آخرالزمان بود که نبوت به او ختم شده و رسالت دیگری در بین نبود. در چنین شرایطی که ظلم از جایگاه سلطه و اقتدار برخوردار و مصداق‌های ارجمند مکتب یا کشته یا منزوی می‌شدند، برای احیای بنیان‌های دین و صلاح و فضیلت چه اقدامی جز حرکت عاشورایی باقی می‌ماند؟! از این رو وقتی معاویه درگذشت پس از وی فرزندش یزید بر جایگاه رسول خدا (ص) تکیه زد و خود را خلیفه مسلمین نامید و درصدد برآمد تا از اشخاصی همچون حسین‌بن‌علی (ع) بیعت بگیرد. سیدالشهدا (ع) ضمن توصیف این شرایط: «...به راستی دنیا دگرگون شده، خوبی‌هایش رفته و بدی‌هایش مانده و مانند مرغزار بی حاصل شده است. چرا چنین شده؟ چون همان طور که می‌بینید، به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌شود در چنین وضعیت ننگینی هر فرد باایمانی موظف است که در راه حمایت از دین خدا و جهاد با تبهکاران و لقای خدا آماده شهادت گردد که شهادت در این راه بالاترین سعادت است.» قدم در راه قیام نهاده و نهضتی با ساختاری اصلاح‌طلب و با هدف احیای سنن نبوی، کنار زدن پرده ریا و تزویر از مقابل چهره حکومتگران فاسد و بیداری وجدان عمومی را شکل داد و چنان هنگامه‌ای در تاریخ برپا کرد که همواره حکومت‌های خودکامه و ریاکار از ناحیه فرهنگ عاشورا در معرض تهدید قرار دارند.

عکس نوشت

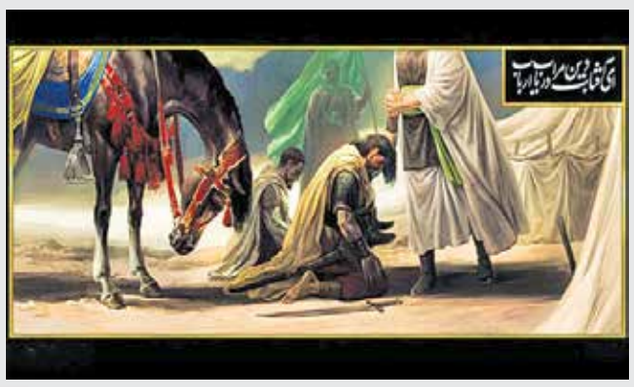

جدیدترین دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج) تهران، همزمان با آغازماه محرم و فرارسیدن ایام عزاداری سید و سالار شهیدان، امام حسین (ع) با نقاشی حسن روح‌الامین رونمایی شد. / مهر